

مدعی بلا معارض

بمقتضای اصل هیچکس نمیتواند مدعی بلا معارض را از تصرف در مدعی به منع نموده و از اینرو دادرس هم نمیتواند از وی درخواست بینه و با نبودن بینه ویرا سوگند دهد.

علاوه بر اجماع و اصل موثقه منصور نیز مؤید میباشد. عین موثقه این است: «عشرة كانوا جلوسا و وسطهم كيس فيه الف درهم فسل بعضهم الکم هذا لكيس فقالوا كلهم لا. فقال واحد منهم هولي قال (ع) هوللذي ادعاه» مقتضای قول امام (ع) که فرموده است هو للذی ادعاه آنستکه باید مال را بمدعی داده حکم بحالک بودن آن نمود. اگر کسی بر مدعی بلا معارض پس از حکم دادگاه دعوی نماید مدعی محسوب شده و قول مدعی اول بمقتضای استصحاب و بلحاظ آنکه ذوالید است مقدم میباشد.

اگر مالی مدعی خاصی نداشته باشد پیش از فحص و تحقیق نمیتوان آن مال را مجهول المالک دانسته و حکم مجهول المالک را بر آن جاری نمود چه تا هنگامیکه فحص بعمل نیاید عنوان مجهول المالک بر آن مال صدق نمینماید.

اگر مال بلا مالکی را نائب عام امام پس از بحث و فحص تصرف نماید و بعداً کسی مدعی آن گردد و دعوی خود را در دادگاه ثابت کند عین مال اگر باقی است باید بوی رد شده و اگر تلف شده باشد نائب عام امام ضامن آن نمیباشد.

فروع - اگر دو نفر مدعی باشند ثالثی از هر یک از آن دو میبایست معین را خریده مطالبه نم نمایند شخص ثالث یا آنکه نسبت به رد و اقرار نموده

و یا انکار مینماید و یا آنکه نسبت یکی از آن دو اعتراف مینماید .

در صورت اول - دادرس باید بلحاظ امکان صدق قضیه شخص

ثالث را بتأدیه ثمن ازام نماید .

در صورت دوم - اگر هر يك از آن دو که دعوای خرید مبیع را

نموده شاهد اقامه کنند هر دو مبیع ثابت شده شخص ثالث ملزم است هر

دو ثمن را پردازد و اگر شاهدی در بین نباشد باید ثالث برای هر دو

مدعی سوگند یاد کند .

در صورت سوم - شخص ثالث باید قیمت مبیع را به صدق له تأدیه

کرده برای دیگری قسم یاد کند و در صورت نکول از سوگند باید

غرامت کشد .

تنازع زن و شوهر در متاع خانه

اگر زن و شوهر یا ورثه این دو یا یکی از این دو با ورثه دیگری

در متاع خانه ای که هر دو متصرفند نزاع کنند . و برای یکی از این دو

شاهد باشد دادرس باید بمیزان بینه حکم نموده و در صورتیکه برای

هیچیک شاهدی نباشد جمعی از فقهاء مطلقاً بتساوی قائل شده میگویند

متنازع فیه را باید بین آن دو متساویاً قسمت نمود خواه متاع خانه از

پرزوئی باشد که بالاختصاص صلاحیت برای مردان داشته و یا آنکه

باختصاص بنسوان و یا صلاحیت برای هر دو داشته باشد و خواه خانه برای

هر دو باشد و یا برای یکی از آن دو و یا شخص ثالث و خواه بین آن دو

زوجیت باقی و یا زائل شده باشد و خواه زوجیت بلحاظ عقد دائمی بوده

و یا عقد منقطع و خواه ید تحقیقی باشد و یا تقدیری پس اگر هر دو سوگند

یاد کنند و یا نکول نمایند مال بینشان بتساوی قسمت می شود . و اگر

یکی از آن دوسو کند یاد کند و دیگری نکول نماید جمیع مال متعلق بسو کند یاد کننده میباشد . دسته‌ای میگویند از متاع خانه آنچه صلاحیت برای مردان دارد و مختص بآنان میباشد اختصاص بزوج دارد و آنچه صلاحیت برای زنان مختص بزوجه خواهد بود و آنچه صلاحیت برای هر دو دارد پس از تحالف و یا نکول بین هر دو متساویا قسمت می‌شود . گروهی از فقهاء در این دعوی قول زن را مقدم دانسته میگویند کلیه متاعی که متنازع فیه است متعلق بزنی میباشد مگر متاعی را که زوج بر آن شاهد اقامه نماید . برخی معتقدند اثاثیه‌ای که بمردان اختصاص دارد متعلق بزوج و آنچه صلاحیت برای هر دو دارد و یا برای نسوان متعلق بزوجه خواهد بود . بعضی میگویند در تشخیص این امتعه باید بعرف رجوع شود اگر عرف چنین تشخیص داد که صلاحیت برای مردان دارد متعلق بزوج و اگر بزنان متعلق بزوجه خواهد بود و در صورتیکه در تشخیص آن اهل عرف اختلاف نمایند متاع بالمناصفة بین زوج و زوجه تقسیم میشود .

هریک از قائلین باین اقوال بدلیلی متمسک و استدلالی نموده‌اند چون مبنای رساله بر اختصار است از نقل آن ادله و نقد و انتقاد آنها صرف نظر نموده جوینده را بکتاب مفصله و کتابی که خود در باب قضا بزبان عربی نگاشته‌ام حواله مینمایم .

بر حسب صحیح‌ه رفاعه میتوان گفت متاعی که مشترك بین زنان و مردان است بین زوج و زوجه بتساوی قسمت میشود و آنچه بمردان و یا زنان اختصاص دارد پس از تشخیص عرف مختص بزوجه و یا زوجه میباشد عین صحیح‌ه رفاعه این است : و اذا طلق الرجل امرأته و فی بیتها متاع فلها ما یکون للنساء و ما یکون للرجال و النساء قسم بینهما قال و اذا طلق الرجل المرأة فادعت ان المتاع لها و ادعی الرجل ان المتاع له کان

له ماللرجال ولها مالالنساء تمت الرساله بعون الله و توفيقه والحمد لله
رب العالمين و صلى الله على محمد و آله اجمعين .

دوشنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۳۷۶
مطابق ۱۰ دی ۱۳۳۵

تنبیه

چون مبنای این رساله بر اختصار بود فقط قناعت بضوابط کلیه
قضاء نموده و از شرح و تفصیل جزئیات و فروع مترتبه بر آن خودداری
شد . بدینوسیله جویندگان را بکتاب مفصله‌ای که فقهاء رضوان الله تعالی
علیهم در این باب تدوین نموده‌اند و کتابیکه خود بنام القضاء فی الاسلام
بزبان عربی نگاشته راهنمایی مینمایم و از خداوند متعال جلت عظمت
توفیق زمامداران امر مهم قضاء را در اجراء مفاد این ضوابط کلیه و عمل
بقوانین شرعیه را خواهانم .

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع و ماخذ

- آیات الاحکام - مقدس اردبیلی
نهج البلاغه - امیر المؤمنین علی (ع)
کافی - کلینی
من لا یحضره الفقیه - شیخ صدوق
تهذیب - شیخ طوسی
مختلف - علامه
شرایع الاحکام - محقق جلی
مسالك - شهید ثانی
روضه البیہ - شهید ثانی
دروس - شهید اول
جواهر الکلام - شیخ محمد حسن
ریاض - سید علی
مستند - نراقی
قضا و شہادات - حاج ملا علی کنی
قضا و شہادات - سید محمد کاظم یزدی

